

دکتر علی خزاعی فر

موضوع بحث امشب تغییر یا shift است.

چنان که دوستان میدانند در روش تحت اللفظی بر خلاف عنوان آن هر کلمه لزوماً به یک کلمه و هر ساختار به ساختاری شبیه به آن ترجمه نمیشود بلکه گاه تغییراتی و ازگانی و نحوی در ترجمه بوجود میآید. به عبارت دیگر، به غیر از ترجمه های بین خطوطی که در گذشته در ترجمه متون مقدس رایج بوده، در سایر ترجمه ها که ما آنها را با عنوان تحت اللفظی می شناسیم و دسته بندی میکنیم به درجات کم یا زیاد تغییراتی دیده میشود. در نتیجه تمایز میان ترجمه تحت اللفظی و آزاد تمایز دقیقی نیست چون هم در ترجمه آزاد امکان ترجمه تحت اللفظی وجود دارد و هم در ترجمه تحت اللفظی درجاتی از آزادی دیده میشود.

پس بهتر است بگوییم تحت اللفظی بودن یا آزاد بودن در واقع مفاهیمی نسبی هستند و ترجمه ها را میتوان روی پیوستاری تصور کرد که ممکن است به سمت تحت اللفظی بودن یا آزاد بودن متمایل باشند.

در هر حال موضوع تغییر یا shift یکی از مهمترین موضوعات در کار عملی و در آموزش ترجمه است. ترجمه بدون تغییر ناممکن است و تفاوت میان مترجمان در نوع تغییرات آنهاست. چون مترجم باید متنی مستقل تولید کند پس تغییرات تابع نوع متن است و بهتر است بگوییم تغییرات در خدمت استقلال متن است.

در ترجمه برخی متون برای دست یابی به استقلال لازم است تغییرات بیشتر و خلاقانه تری اعمال کنیم. در ترجمه برخی متون با حداقل تغییرات هم می توان به استقلال رسید. دلیل اینکه ترجمه متون ادبی سخت تر از متون غیر ادبی است این است که نیاز به تغییرات بیشتر و خلاقانه تری دارد.

از زمان تحقیق وینه و داربلنه در مورد ترجمه از فرانسه به انگلیسی و برعکس، بخصوص در دوره مطالعات زبانشناختی ترجمه، توجه زیادی به مساله تغییرات در ترجمه شده است. خود وینه و داربلنه این تغییرات را دسته بندی کرده اند که به دلیل آشنای ی دوستان با این مباحث از ذکر آنها خودداری میکنم. برای مثال یکی از انواع تغییرات پیشنهادی آنان negation of opposite است که نمونه های آن را در جملات زیر از ترجمه های چاپ شده می بینید:

That is easy: کاری نداره

Why not? باشه.

That is easy: کاری نداره

Haven't we? غیر از اینه؟

and you were nearly killed

چیزی نمونده بود تلف بشی

We can do that. بد فکری نیست.

your eyes are good

چشمات هم هیچ عیبی نکرده

Tell me about the baseball

نقل بیسبال رو برام نگفتی

He hits the longest ball I have ever seen

من ندیدم کسی بلندتر از او شوت کنه

چنان که گفته شد تغییرات انواع متعدد دارد. آشنایی با انواع تغییرات در کار مترجمان حرفه ای برای دانشجویان ترجمه بسیار ضروری است. تا دانشجو با این تغییرات آشنا نباشد از حدود اختیارات خود آگاه نیست و نمیتواند از آزادی مشروع خود استفاده کند و در نتیجه به ترجمه تحت اللفظی متوسل میشود.

تغییرات گاه در سطح اجزای جمله است، مثل تغییر صفت به قید یا قید به فعل و امثال اینها. گاه در سطح ساختار جمله است، مثلا تغییر مجهول به معلوم، یا تبدیل عبارت اسمی به فعلی. گاه مستلزم بازنویسی یک جمله در سطح دو جمله یا سه جمله است.

شاید سخت ترین نوع تغییر این است که مترجم فکر نویسنده را با بیانی متفاوت بنویسد به طور یکه اساسا از کلمات نویسنده استفاده نکند. اینجا مترجم به حداکثر خلاقیت نیاز دارد. در اینجا به ذکر نمونه هایی از تغییرات در کار مترجمان حرفه ای می پردازیم و سپس مواردی را با هم ترجمه میکنیم.

.Sophie felt her heart pounding

قلب سوفی تند تند می زد.

.She caught herself biting her nails

یکدفعه متوجه شد دارد ناخنهایش را می جود.

“!Gives me the shudders“

«چندشم می شود!»

.That’s going too far!” shouted the financial adviser“

مشاوره مالی نعره کشید: «دیگر شورش را در آوردید!»

.Sophie regretted having been mean to her

سوفی پشیمان شد که به او کم محلی کرده است.

!Stop being such a goody-goody

این قدر بره ی سر به راه نباش!

“.I would have slapped her“

من بودم می زدم تو گوشش.

“.You won't get a better view anywhere in the whole of England“

یک منظره ای هم دارد که در تمام خاک انگلستان نظیرش را نمی بینی.

The old man had taught the boy to fish

پیرمرد ماهیگیری را به پسر آموخته بود

I know that you did not leave me because you doubted

می دونم رفتنت از روی بی اعتقادی نبوده

تغییر بیان در ترجمه هماینها

.Certainly, it was quite a strenuous walk

البته سربالایی نفس بُری بود.

I have seen in encyclopedias and the National Geographic Magazine breathtaking photographs of sights from various corners of the globe

خود بنده در انواع دائره العارف و در مجله نشنال جیوگرافیک عکس هایی از گوشه و کنار جهان دیده ام که هوش از سر آدم می برد.

;The feeling that one is in the presence of greatness

یعنی احساس می کردم که دارم عظمت را به رأی العین می بینم.

'This quality is probably best summed up by the term 'greatness

عظمت شاید بهترین وصفی است که درباره این کیفیت می توان آورد

So that I and the likes of Mr. Graham would have to share the frustrating experience of hearing
.anecdote after anecdote relating to him

به طوری که امثال آقای گراهام و دیگران باید دندان روی جگر می گذاشتند و داستان پشت داستان درباره ی آن
شخص گوش می کردند.

.Now I do not doubt that Mr. Neighbours had good organizational skills

البته شکی ندارم که آقای نیبورز آدم بسیار کارکشته ای بود.

But Miss Kenton had departed, and sure enough, as I continued with my work, an occasional footstep
.or some other sound would serve to remind me she was still there outside the door

ولی میس کنتن بیرون رفته بود، و وقتی کارم را ادامه دادم دیدم که بله، گاهی صدای پای یا صدای دیگری می آید که
به من یادآوری کند ایشان بیرون در منتظر است.

This she did, however, rather rapidly and the next moment I found she had overtaken me and was
.standing before me, effectively barring my way

ولی این کار را نسبتاً به سرعت انجام داد و لحظه بعد دیدم که خودش را به من رسانده و مثل سدّ سکندر جلوم
ایستاده.

"Miss Kenton, you are being quite ridiculous. Now if you will be so good as to let me pass"

« میس کنتن، شما دارید شورش را درمی آورید. حالا لطفاً از سر راه من کنار بروید »

".I agree with you, gentlemen, our M. Dupont can be very unpredictable"

من با شما موافقم، آقایان؛ این مسیو دوپون ما کارش هیچ حسابی ندارد. »

خوب. اینها مواردی از تغییر بیان بود که به دست مترجمان حرفه ای صورت گرفته است. قصد ما قضاوت نیست چون اینها را
باید در بافت متن قضاوت کرد. غرض نشان دادن انواع پیچیده و متعدد تغییر است. حالا چند جمله خدمت دوستان میفرستم تا
ترجمه کنند و سپس ترجمه مترجم حرفه ای را هم میآورم.

مورد اول:

My recollection of Mr. Lewis is that of a gentleman of generous dimensions with a genial smile that
.rarely left his face

در ترجمه این جمله شاید لازم باشد همایند generous dimesions تغییر کند و نیز ساخت کلی جمله. یعنی جمله را با theme
دیگری آغاز کنیم چون با این theme شاید به نتیجه نرسیم. منتظر ترجمه دوستان هستم.

دکتر عباس امام

تا اونجا که یادمه آقای لوییس از اون ادمای دست و دلبازی بود که تقریباً هیچوقت بدون لبخند نمیدیدش.

دکتر علی خزاعی فر

بحث سخاوتمندی نیست. طبیعت نسبت به ایشان سخاوتمند بوده و جثه بزرگی به ایشان عطا کرده است.

ترجمه شما شروع بسیار خوبی دارد چون ساختار آشنایی را به کار گرفته اید.

Azita Rassi

از آقای لوییس مرد فربه‌ی یادم مانده که لبخند مهربانش به ندرت از چهره‌اش رخت بر می‌بست.

دکتر علی خزاعی فر

فربه منفی است. صحبت از بزرگی اندام و جثه است که لزوماً به معنی فربه نیست. در ضمن ساختار از فلانی ... چیزی یادم مانده آیا ساختاری متداول در فارسی است؟

Azita Rassi

یادم می‌آید آقای لوییس مرد تنومندی بود که لبخند مهربانش به ندرت از چهره‌اش رخت بر می‌بست.

دکتر علی خزاعی فر

آفرین. You made it.

Zahra Salari

به یاد دارم که آقای لوییس مردی تنومند بود که همیشه لبخندی مهربان بر لب داشت.

دکتر علی خزاعی فر

بسیار عالی.

Mahdi Akhondi

آنچه از آقای لوییس بیاد دارم، یک نجیب زاده سخاوتمند با لبخندی شیرین که به ندرت از روی چهره‌اش پاک می‌شد

دکتر علی خزاعی فر

آفرین.

آنچه از آقای لوییس بیاد دارم، یک نجیب زاده سخاوتمند با لبخندی شیرین که به ندرت از روی چهره‌اش پاک می‌شد

دکتر علی خزاعی فر

وقت تمام است. حالا به ترجمه استاد دریابندری توجه کنید.

آنچه بنده از آقای لوییس به خاطر دارم این است که ایشان شخص تنومندی بودند و لبخند صمیمانه‌ای بر لب

داشتند که به ندرت از صورتشان محو می‌شد.

مثال دوم:

For two or three years in the mid-thirties, Mr. Neighbours's name seemed to dominate conversations
.in every servant's hall in the land

در ترجمه این جمله مشکل اصلی همان عبارت dominate conversations in every servant's hall in the land. اتو باید
آن را به تعبیری دیگر بنویسید.

دکتر عباس امام

در اواسط دهه سی تا دو سه سال ظاهراً هر جا میرفتیم صحبت آقای بود.

نقل مجالس بود؟؟؟؟

دکتر علی خزاعی فر

تعبیر نقل مجلس بودن خیلی خوب است ولی اینجا صحبت از اتاق پیشخدمتهاست.

Azita Rassi

در اواسط دهه‌ی سی اسم آقای نیبورز دو سه سالی در تمام اتاق‌های مستخدمان این کشور ورد زبان‌ها بود.

دکتر علی خزاعی فر

معنی کاملاً منتقل شده با تعابیر آشنا و قابل قبول. افرین.

Zahra Salari

در میانه دهه سی، به مدت دو سه سال اسم آقای نیبورز هرگز از دهان مستخدمین نمی افتاد.

دکتر علی خزاعی فر

شاید بتوان این عبارت را اضافه کرد، هرکجای کشور که میرفتی

Zahra Salari

در میانه دهه سی، به مدت دو سه سال هر کجای کشور که میرفتی اسم آقای نیبورز هرگز از دهان مستخدمین نمی افتاد.

دکتر علی خزاعی فر

آفرین

وقت تمام. ترجمه استاد ریابندری:

در اواسط دهه ی سی دو سه سالی اسم ایشان در سراسر مملکت سر زبان خدمه بود.

مثال سوم: فرض کنید که صحبت از یک کلیسای متروکه است.

.3It has been eroded by unfortunate travelers forced to stop over, as we are, involuntarily.

در اینجا تغییر بیان یعنی تغییر ساختار مجهول به معلوم

دکتر عباس امام

مسافرای بخت برگشته ای که عین خود ما مجبور بودن اینجا وایسن زدن و درب و داغونش کردن

دکتر علی خزاعی فر

ترجمه شما محاوره ای است و اشکالی ندارد ولی وایسادن را شما به معنی موندن گرفتید. یعنی کلیسا از وایسادن خراب نشده از این که شب را اونجا موندن خراب شده

Mahdi Akhoundi

مسافران بد شانسی که مثل ما مجبور بودند آنجا اطراق کنند، خرابش کرده بودند.

دکتر علی خزاعی فر

آفرین.

• πάντια

مسافران بدشانسی که مثل ما مجبور شده بودند اینجا توقف کنند، کلیسا را تخریب کرده بودند.

دکتر علی خزاعی فر

آفرین.

Αἰτιολογία (Honorificabilitudinitatibus)

ما هم مانند تمام مسافران نگون بخت دیگر مجبور بودیم با توقف اجباری در این کلیسا به خرابییش دامن بزینیم
دکتر علی خزاعی فر
غیرقابل قبول.

و این هم ترجمه استاد کوثری:

مسافران بد اقبالی مثل ما که ناچار بودند اینجا بیتوته کنند به این روز انداختنش.
اگر دوستان اجازه بدهند دو مورد دیگر هم ترجمه کنیم و برویم پی کارمان.

4. We saw the town with a mist over it that cut off the mountain.

مشکل در اینجا ترجمه cut off the mountain است که در توصیف مه آمده.

Hoda Hadipour

شهر را فرورفته در مهی دیدیم که نیمه ی کوه را پنهان کرده بود.

دکتر علی خزاعی فر

تعبیرتان روشن نیست. کمی تخیل لازم است و بعد کمی خلاقیت.

Azita Rassi

روی شهر را مهی گرفته بود که کوه را از دید ما مخفی می کرد.

دکتر علی خزاعی فر

دقیق نیست.

Mahdi Akhoundi

مه، چنان شهر را فرا گرفته بود که قله کوه دیده نمی شد.

دکتر علی خزاعی فر

یعنی چی نیمه دیده میشد؟

عرض کردم ابتدا و قبل از این که ترجمه کنید تخیل کنید و ببینید مقصود چه بوده است.

ترجمه آقای دریابندری از این جمله این است: شهر را دیدم که فرازش را مه گرفته بود و تا کمرکش کوه می رسید .

در ضمن آقای دریابندری این جمله از کتاب وداع با اسلحه را در بیست سالگی ترجمه کرده اند.

Azita Rassi

آقای دکتر ببخشید من با استنباط آقای دریابندری موافق نیستم. این معنی کات آف رو ملاحظه کنین:

to block or get in the way of something

.They cut off the enemy's retreat

.The new factory cuts off our view of the hills

(از دیکشنری آکسفورد) به نظرم کل کوه رو مخفی می کنه نه اینکه برش بزنه تا وسط.

دکتر علی خزاعی فر

خانم راسی عزیز. حق با شماست. درود بر شما. ار بس من توجه ام به تغییر بیان بود به درستی و نادرستی تعبیر نبود. این دسته گل هم بخاطر دقت به شما تقدیم میشود. ❀❀❀❀❀❀❀❀❀

آخرین مثال:

.Miss Kenton came out of her parlour and uttered a statement she had clearly been rehearsing

قسمت اول این جمله نیاز به تغییر بیان ندارد. حت بقسمت دوم آن هم شاید نیاز به تغییر نداشته باشد و بتوان آن را تحت اللفظی ترجمه کرد. بعضیها ممکن است بگویند آشکارا ...ولی به نظر من قید آشکارا جالب نیست و تنها مورد یکه نیاز به تغییر بیان دارد شاید همان قید clearly باشد.

Eli Amini

خانم کنتون از اطافش بیرون آمد و جمله ای را که بارها تمرین کرده بود به زبان آورد

دکتر علی خزاعی فر

این جمله نویسنده نیست.

Taher Jahanjouyan

خانم کنتون از اتاق نشیمن بیرون آمد و چیزی را گفت که معلوم بود خودش را کشته تا یاد گرفته بود

دکتر علی خزاعی فر

تاکید بیش از حد است. از کجا میدانیم خودش را کشته بود. مگر خانم کنتون خنگ بوده؟

Maryam Salehi

دوشیره کنتون از اتاق نشیمن بیرون آمد و حرفی زد که واضح بود بارها تمرین کرده بود.

دکتر علی خزاعی فر

ترجمه شما بسیار خوب است. ولی یک نکته درباره دوشیزه و خانم به شما بگویم. از جهت معنی دوشیزه و miss د رفارسد , انگلیسی مصداق یکسانی دارند ولی از جهت کاربرد تفاوت دارند. یعنی هرکجا که انگلیسیها میگویند miss ما د رایران لزوما نمیگویم دوشیزه. ممکن است بگویم خانم. و اتفاقا در بیشتر موارد میگویم خانم و دوشیزه را در جاهای خاص مثل سر عقد بکار میبریم.

Azita Rassi

دوشیزه کنتون از اتاقش بیرون آمد و جمله ای گفت که معلوم بود تمرینش کرده است.

دکتر علی خزاعی فر

عالی. فقط من عبارت تمرینش کرده است را تغییر میدهم به آن را تمرین کرده بود.

و بالاخره ترجمه استاد دریابندری:

میس کنتون از اتاقش بیرون آمد و چیزی گفت که پیدا بود آن را تمرین کرده است.

دوستان به پایان بحث امشب رسیدیم. از همه شما که در بحث مشارکت فعال کردید و نیز از ساکتان بحث تشکر میکنم.

هیچکس به اندازه خود مترجم صلاحیت ندارد در باره این موارد تصمیم بگیرد. مترجم باید مجتهد باشد تا مترجم باشد و چون مجتهد است میتواند تصمیم بگیرد. اگر فکر میکنید لازم نیست ترجمه کنید ترجمه نکنید. برای ترجمه کردن و ترجمه نکردن باید دلیل داشته باشید.